

خانه همسایه ما را معماری ساخته که بساز و بفروش بوده و هیچ شناختی از مصالح ساختمانی نداشته است. خانه همسایه بعد از مدتی کج شده و به خانه ما تکیه داده و خانه ما را هم کج کرده است. به طوری که ناچاریم قاب عکس‌ها را روی دیوار، کج بزنیم تا راست به نظر بیاید! این کجی دلیل پست مدرنیستی ندارد، بلکه به دلیل ترکیدگی لوله‌ها و نشت آب است. حالا برویم سر لوله و میله. البته با احتیاط. بهتر است بگوییم ته لوله و میله. چون سرش بیرون زده و معلوم است، اما تهش معلوم نیست کجاست. اصلاً معلوم نیست ته داشته باشد. تازه در سرش هم جای تردید است. این هم اصلاً معلوم نیست سر خودش باشد. چی گفتیم! معمار مقداری از سر و ته میله‌ها و تیرآهن‌ها را زده است. بعضی جاها میله زیاد گذاشته، بعضی جاها میله کم آورده، بعضی جاها هم اصلاً میله نگذاشته است. خلاصه معمار توانسته از مصالح ساختمانی خوب استفاده کند و آن‌ها را حسابی ضایع کرده است. کارش هم بی سر و ته شده است. مثل مطلب ما.

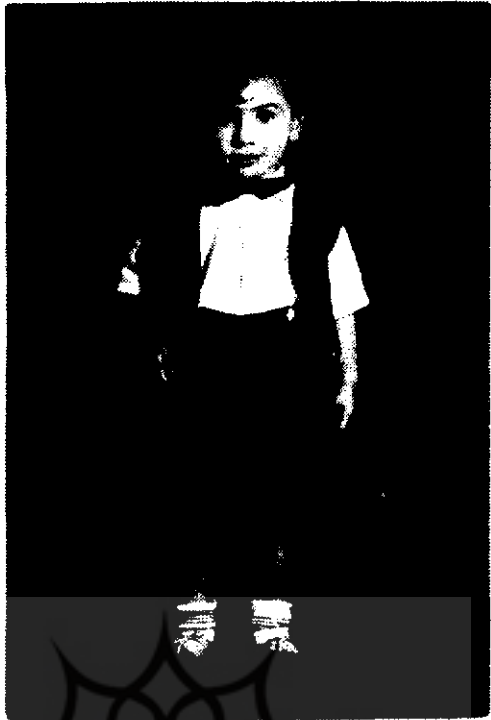
هر کس برای خودش ابزار و ادواتی دارد. سوء تعبیر نشود. یعنی هر کسی برای کار خود مصالحی لازم دارد. مصالح نجار تیر و تخته است، مصالح آهنگر آهن آلات و مصالح معمار هم لوله‌جات و شیرآلات! اما بعضی‌ها مصالح خود را تشخیص نمی‌دهند و با کار خود عوارض جانبی ایجاد می‌کنند و به طور ناخواسته و غیر عمد مقداری کارشان پست مدرنیستی می‌شود.

یک دفعه می بینید پایین رفته بالا و بالا آمده پایین و سر انسانی وسط پایش قرار گرفته است. به طوری که برای اصلاح یا آرایش صورتش مجبور است آینه را مقدار زیادی پایین بیاورد. البته اگر کسی با شناخت مصالح این کار را بکند، نه تنها بد نیست، خیلی هم خوب است و باعث تنوع و انبساط خاطر می شود.

حالا برویم سراغ کامبیز درم بخش. خواننده، می مطلب را می خواند و می بیند هنوز خبری از کامبیز نیست. این هم شیوه ای است. نویسنده از همه چیز می نویسد، تا هیچ چیز ننوشته باشد! ما واقعاً می خواهیم از کامبیز بگوییم، اما نمی دانیم چه بگوییم. چون گفتنی زیاد است. کامبیز هم مثل همان معمار است. البته بلا تشبیه. با این تفاوت که مصالح کار خود را کاملاً می شناسد و از آن به قول امروزی ها استفاده بهینه می کند. مصالح کامبیز خط و خطوط است و اخیراً مقداری کلمات. در کار کامبیز هیچ چیز اضافی دیده نمی شود. همه چیز سر جایش است. او مصالحش را ضایع نمی کند و ابزار و ادواتش (قلم و کاغذ) را خوب به دست می گیرد. قلمش همواره پویا و روان باد که با کم ترین خط، بیشترین حرف را می زند. بیت:

قلم در دست او مانند منوم است در اینجا مطلب ما هم منوم است!

۸۲/۹/۲۳



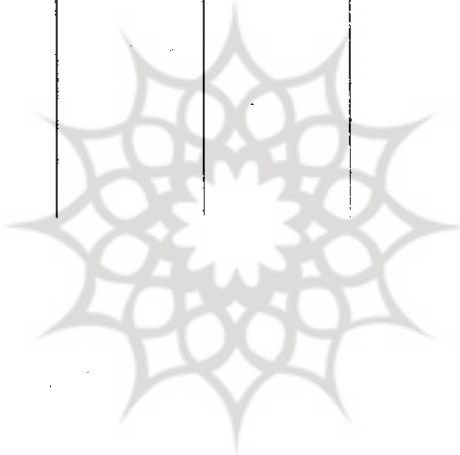
پروفیسر ڈاکٹر سید امینہ امین

پروفیسر سکاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پروفیسر ڈاکٹر سید امینہ امین

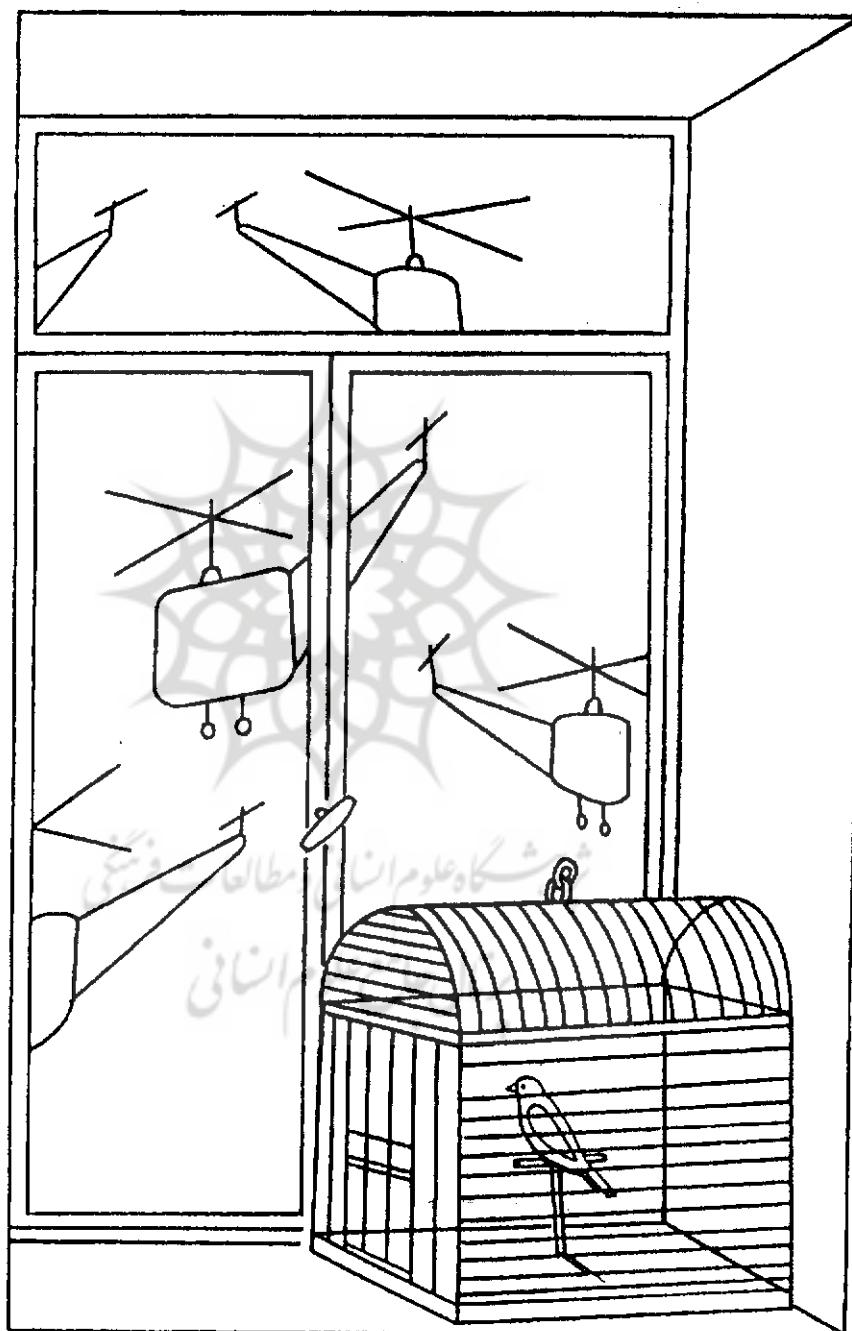


کارتون های سیاه و سفید (۱۳۸۲-۱۳۵۰)

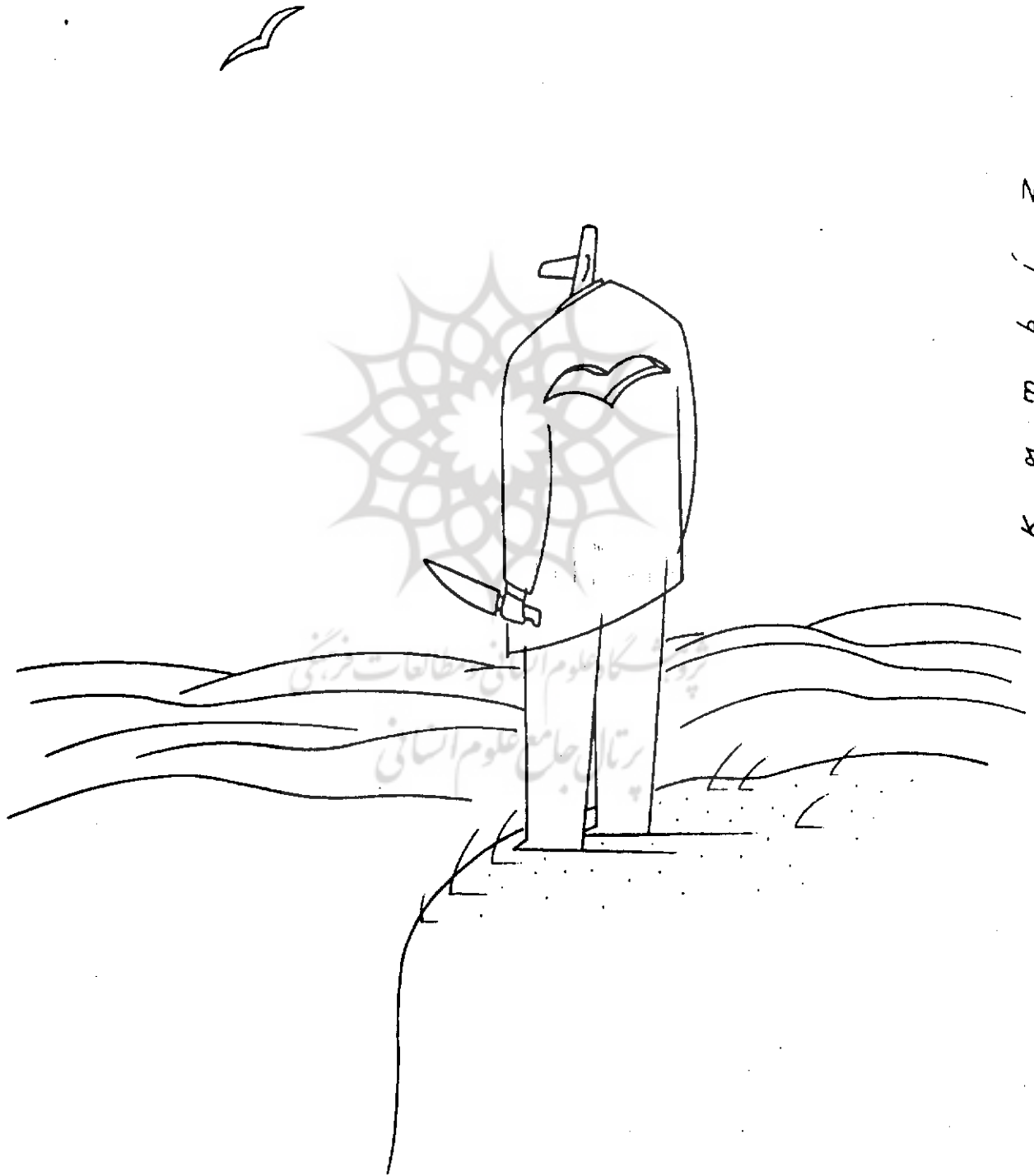


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

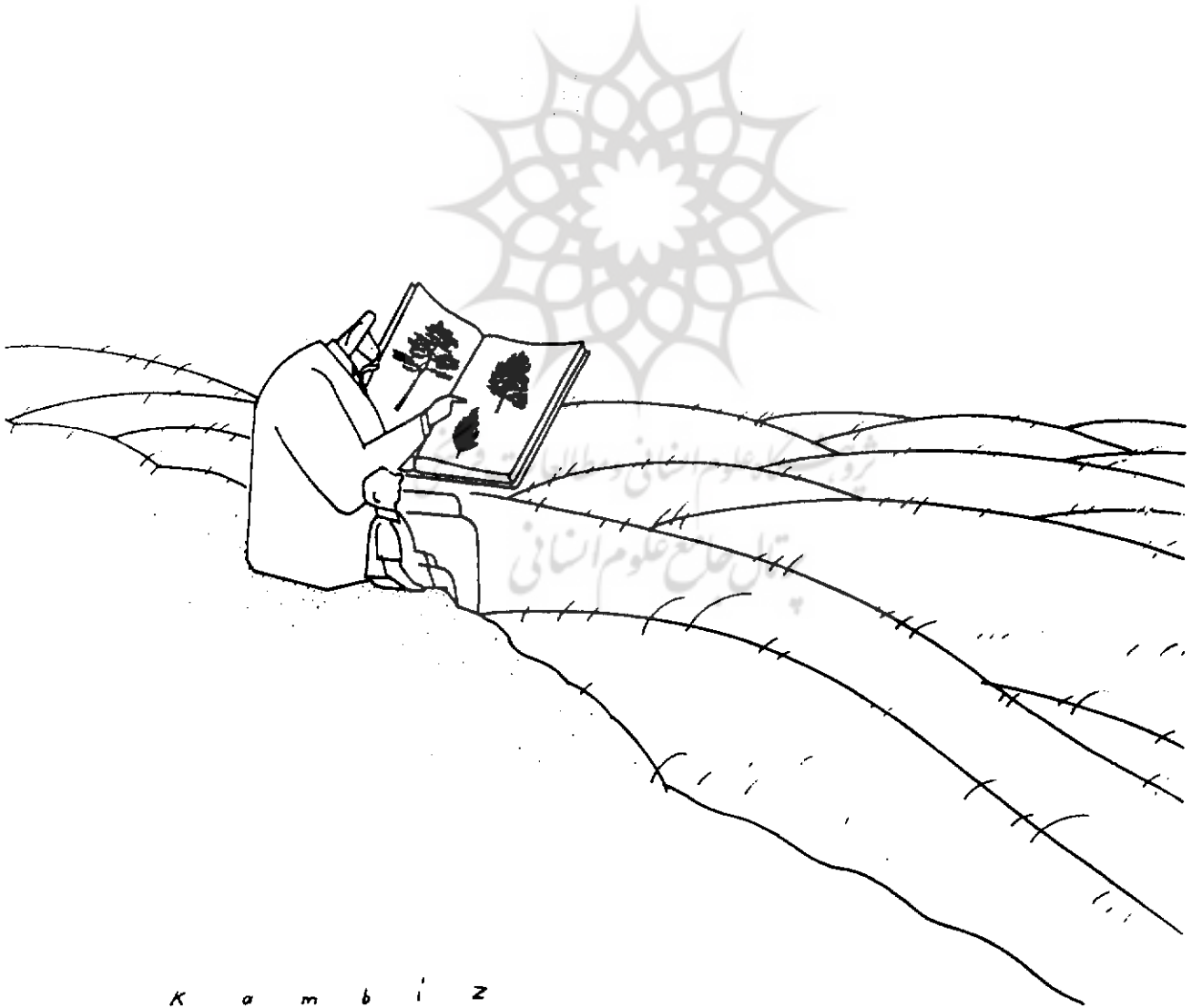
فصلنامه علمی پژوهشی
فصلنامه علمی پژوهشی

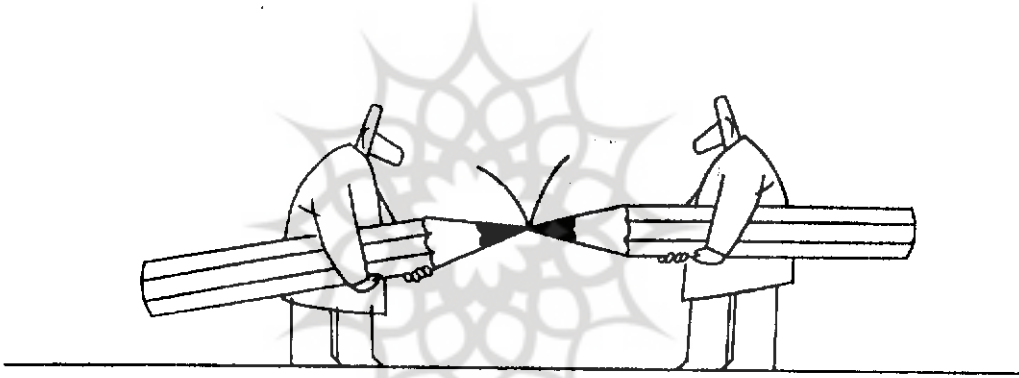
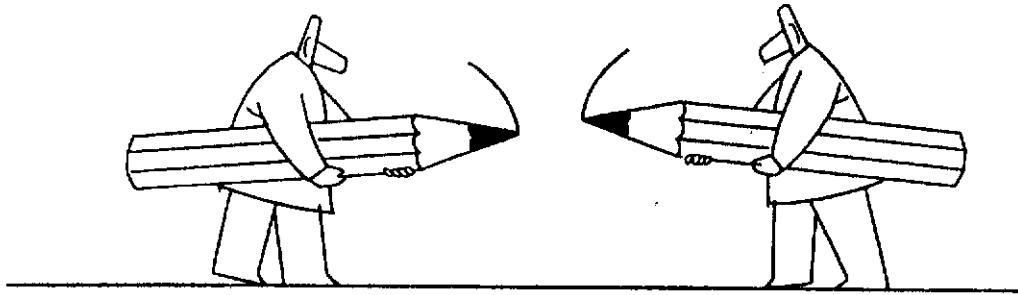




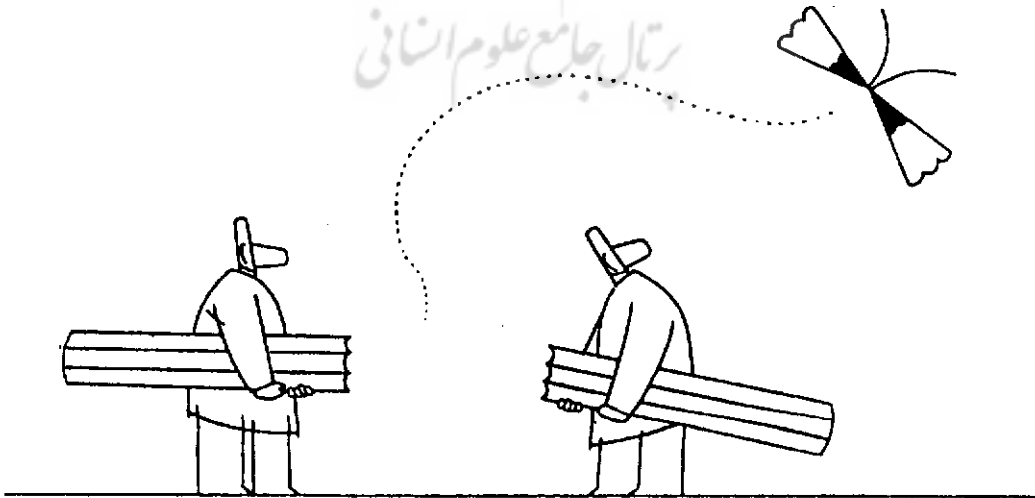


K o m b i n

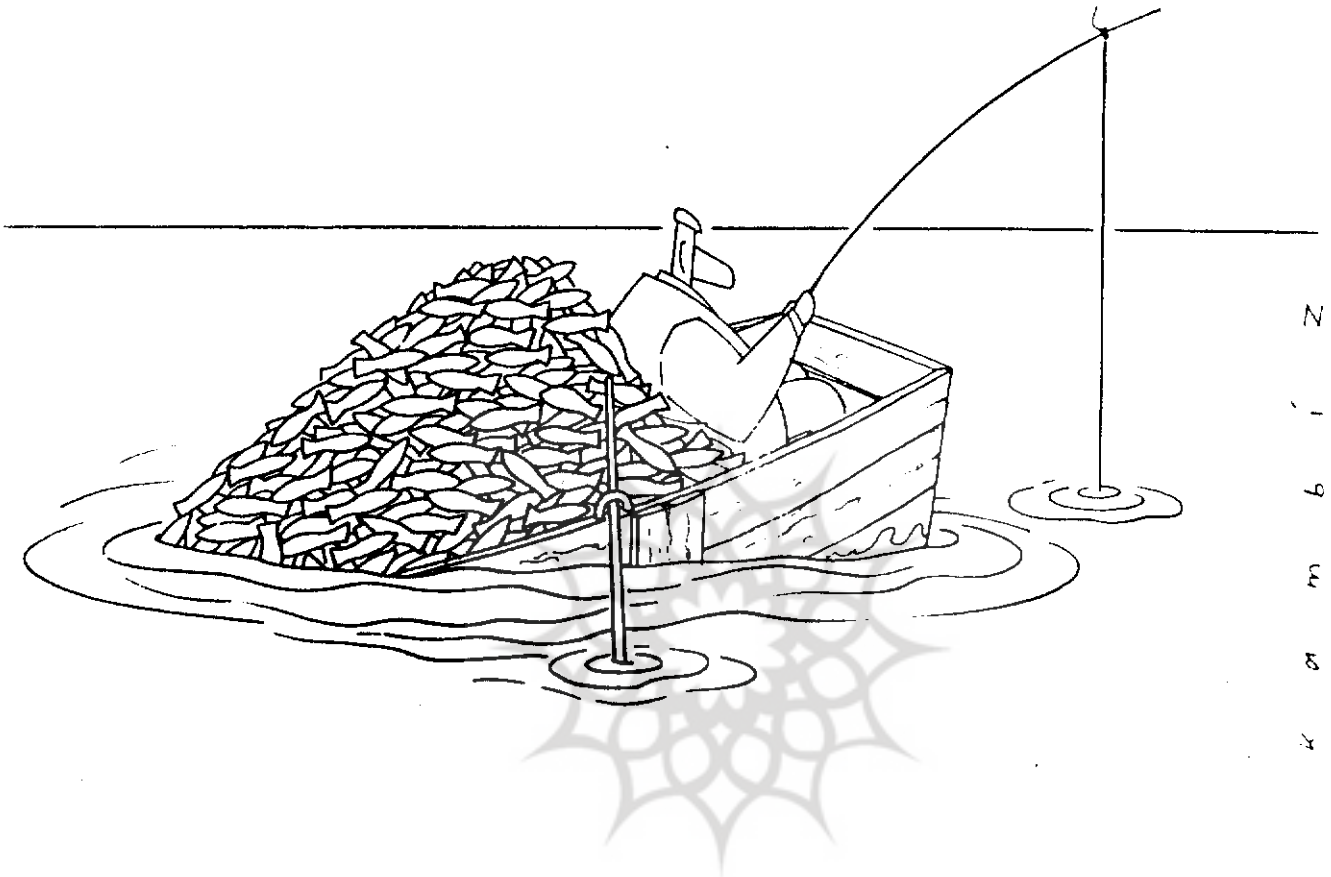




پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

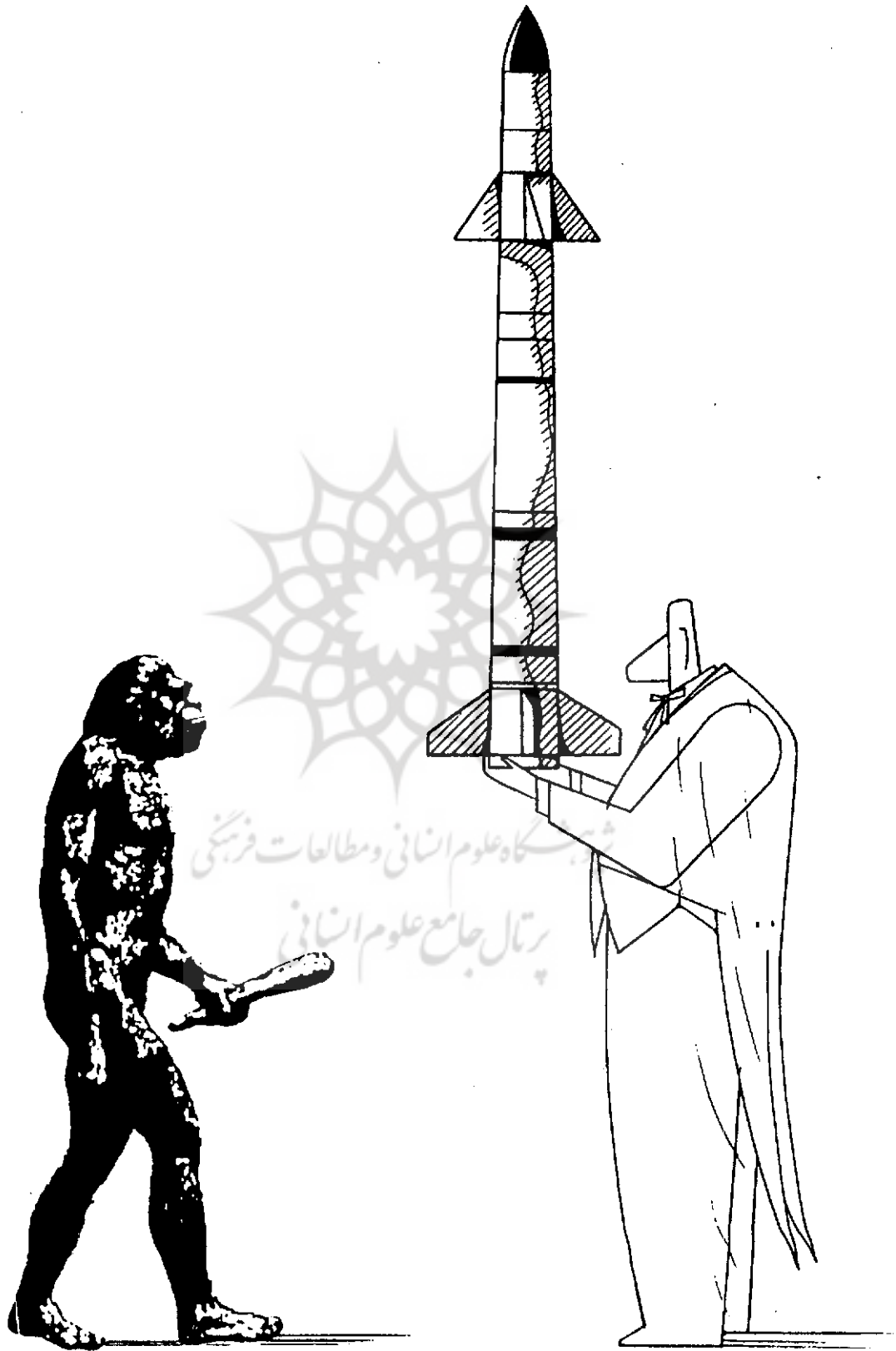


K o r m b i z

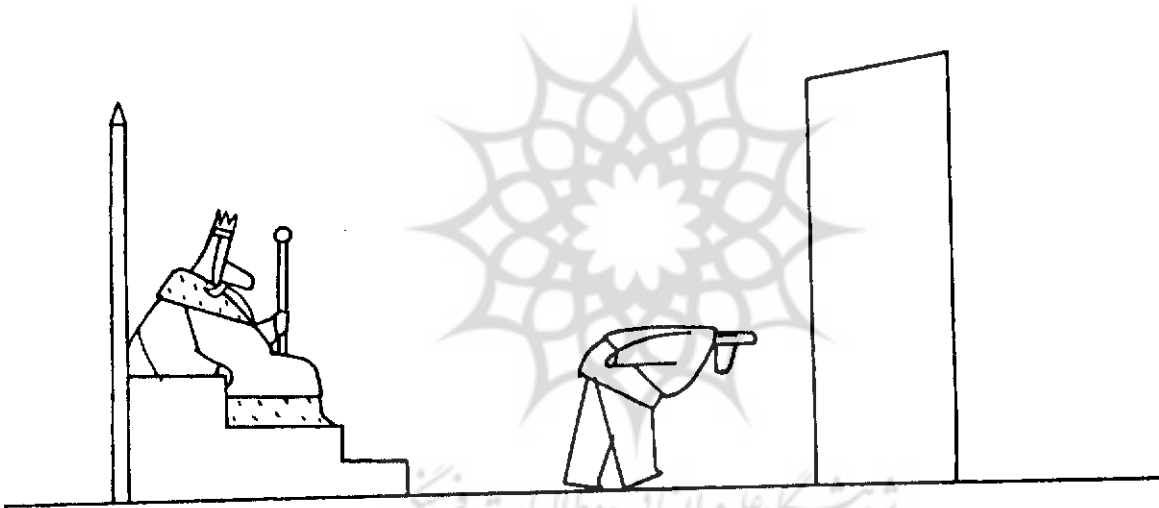
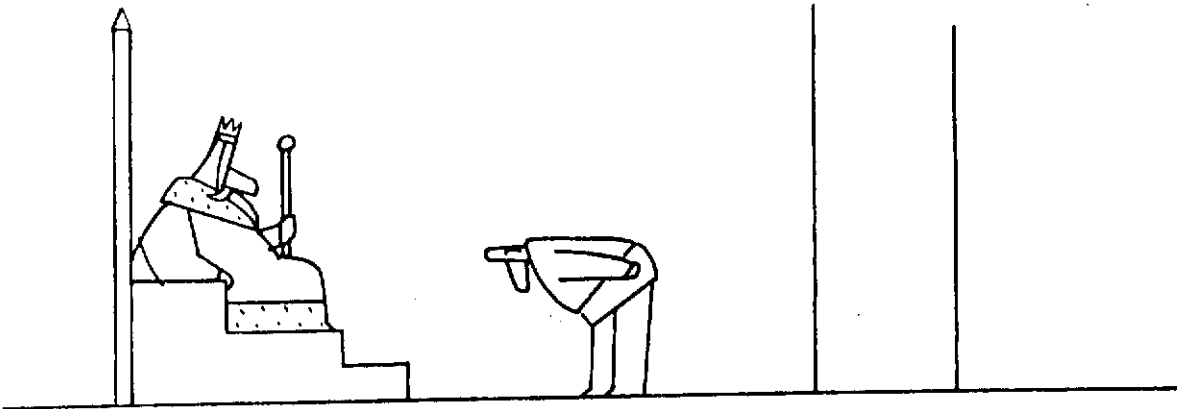


۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

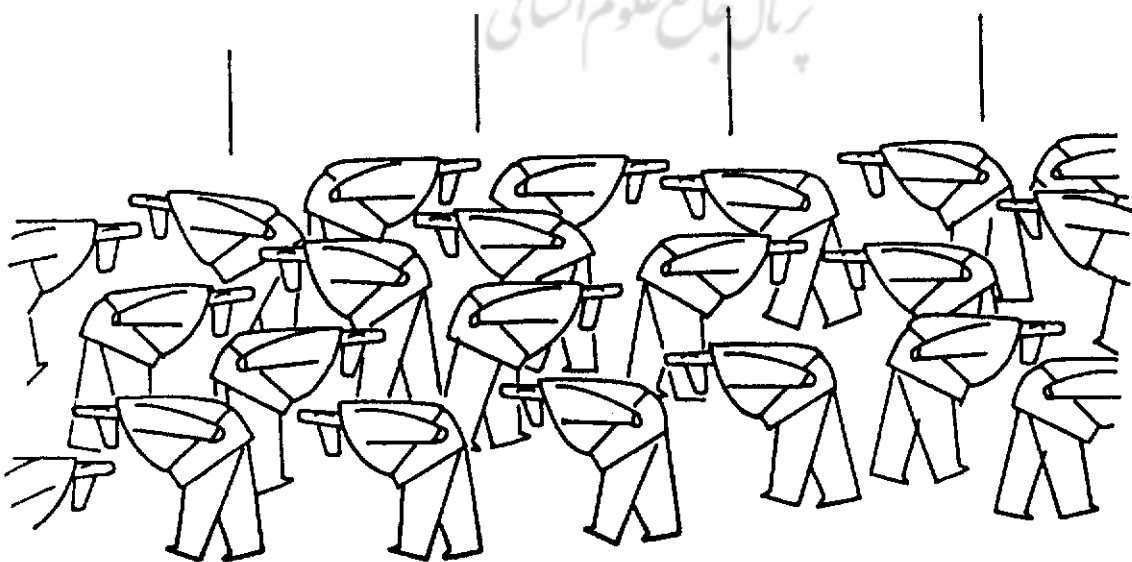
پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی



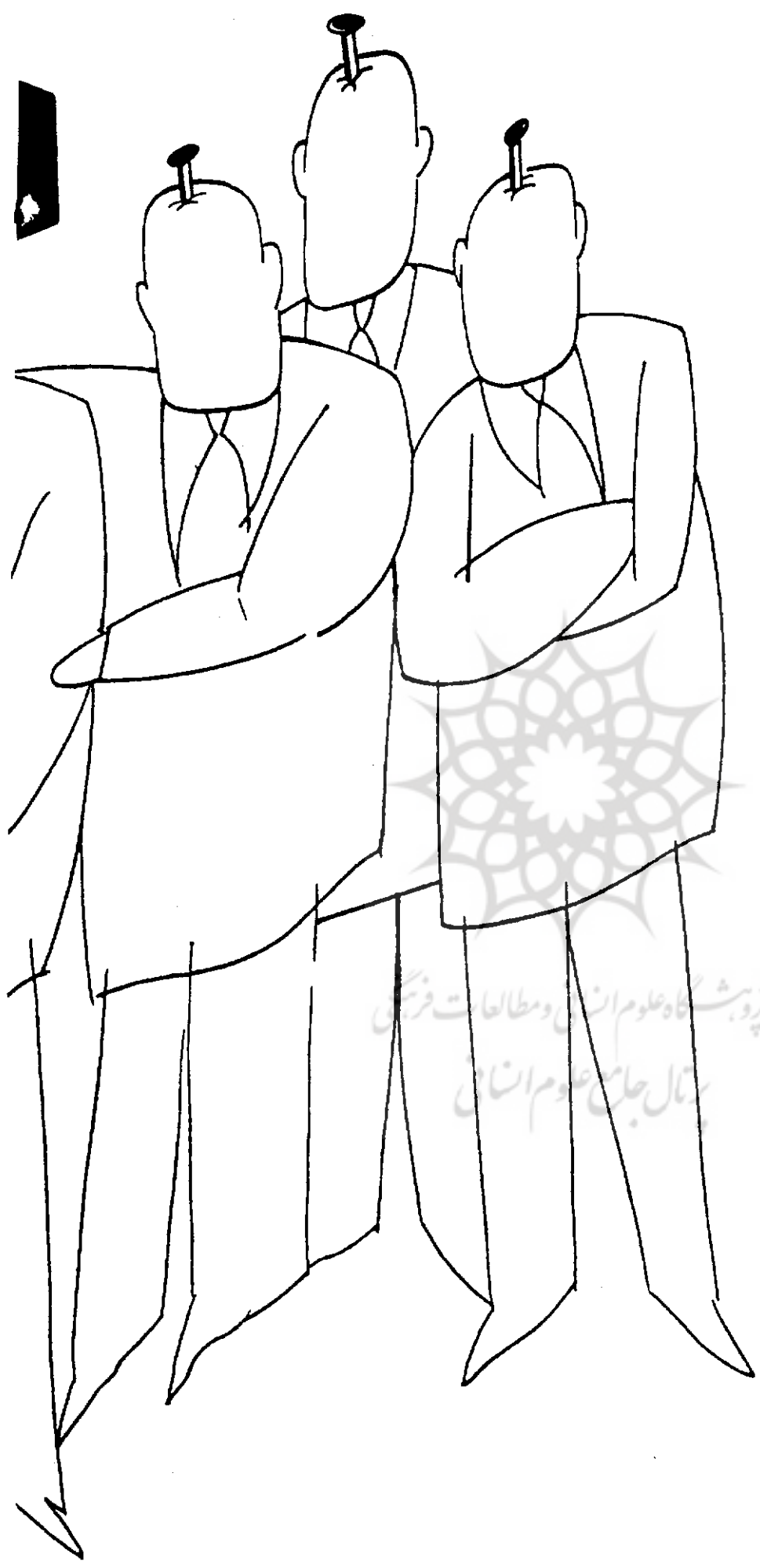
شعبه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



پروبو سگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

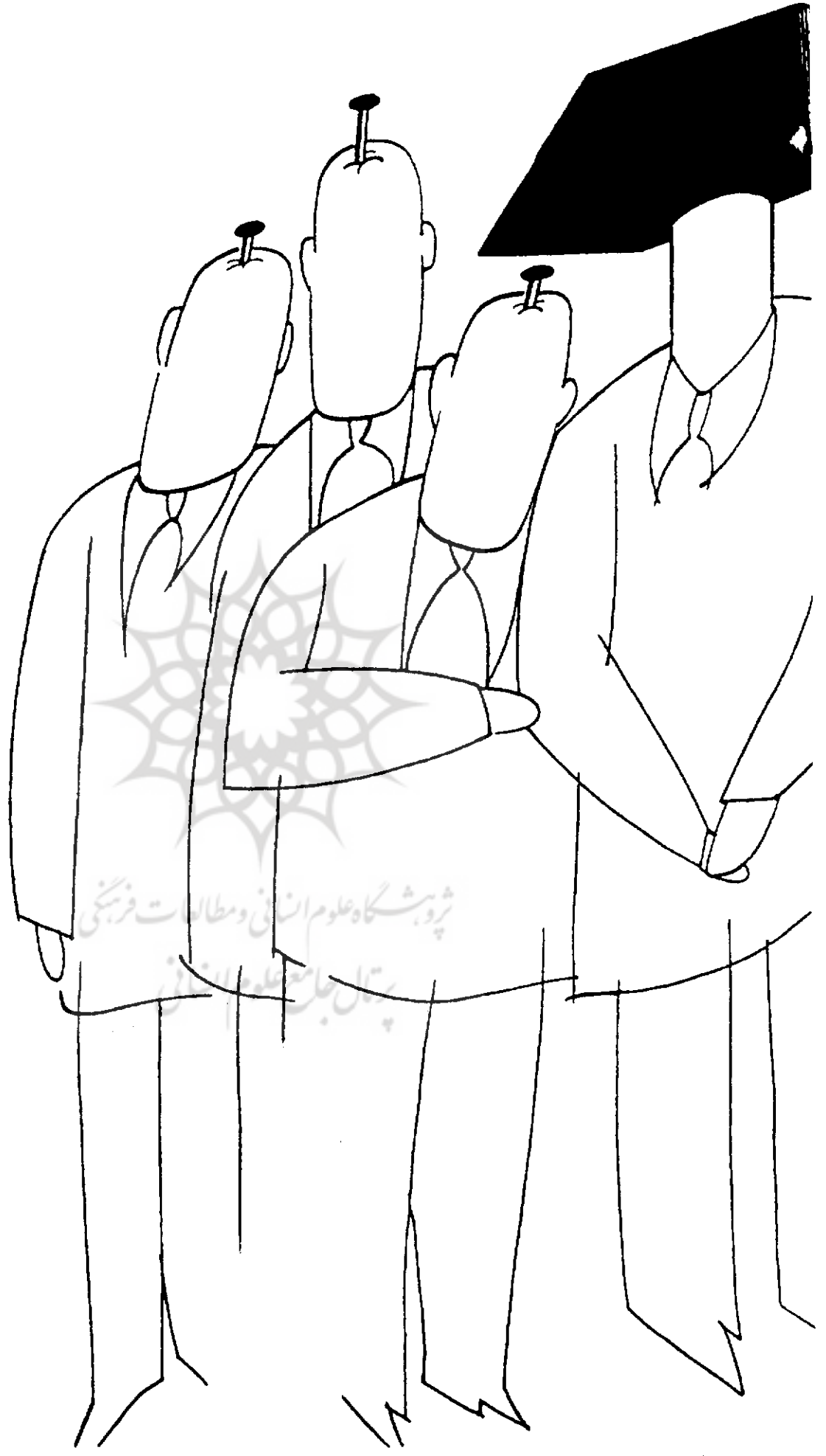


۲
 ،
 ۶
 م
 ۵
 ۴

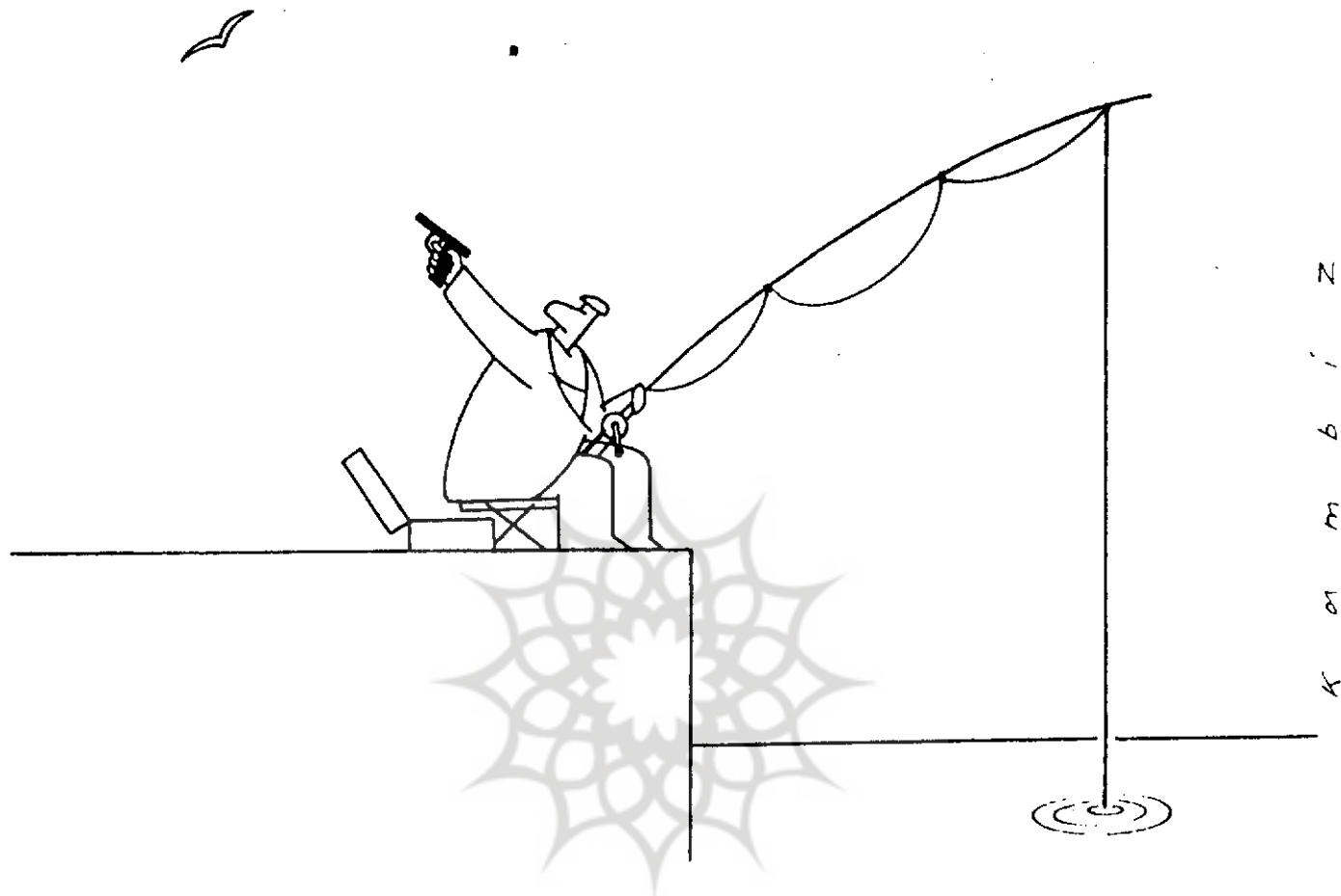


پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

۷
۱
۹
۳
۷
۴

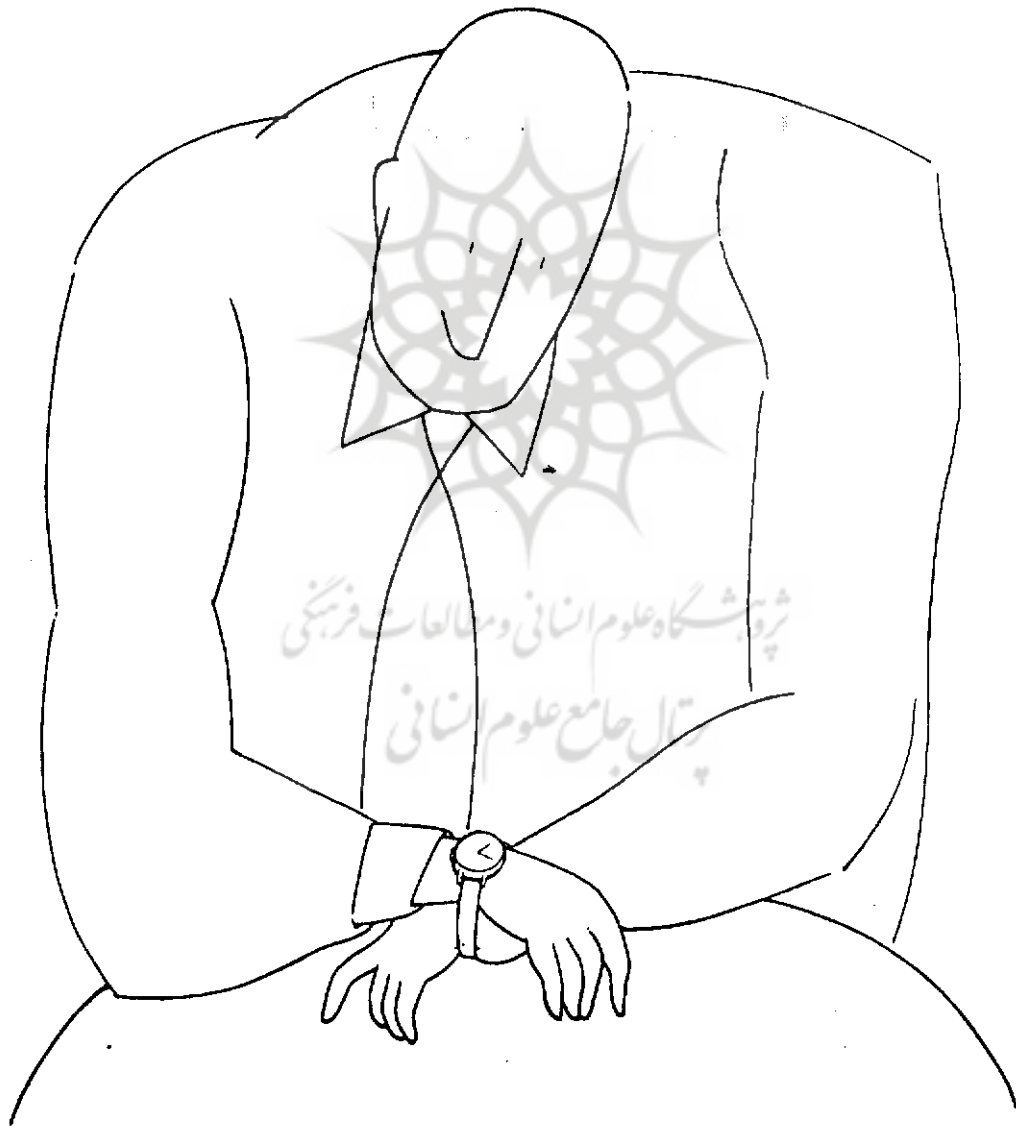


پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

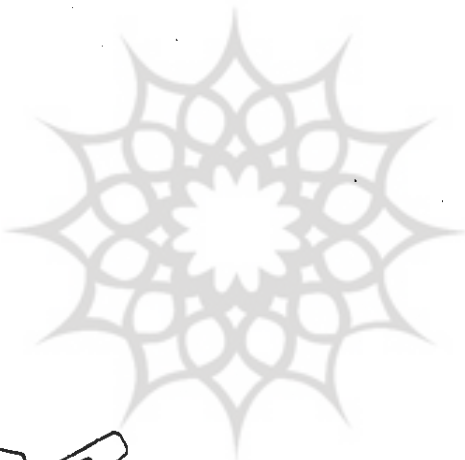


K o m b i z

پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی





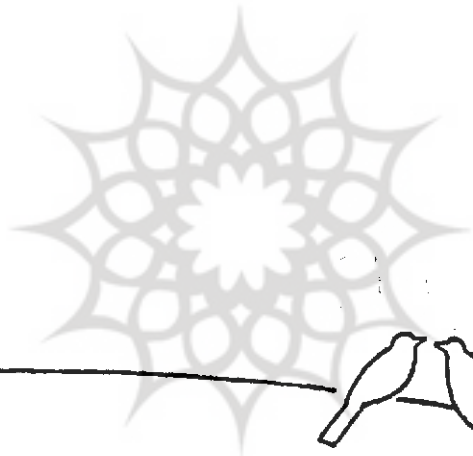


پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی



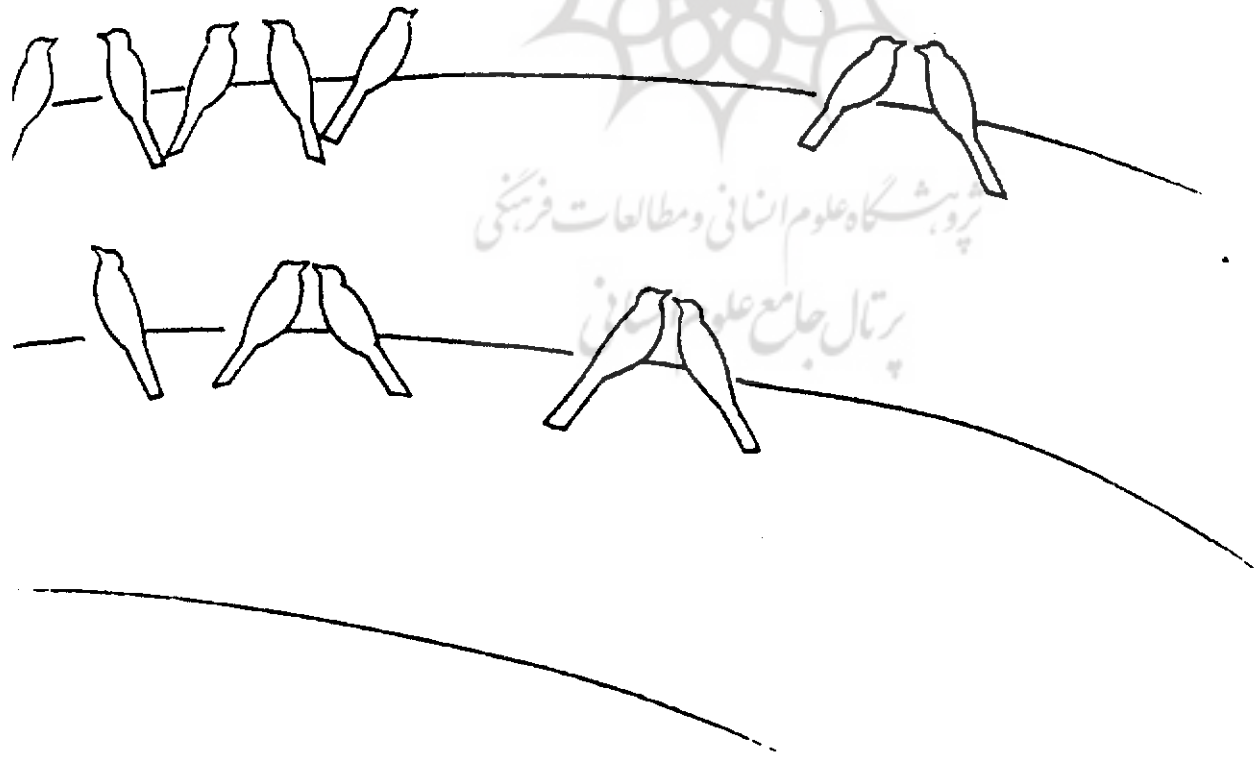
K o m b i Z

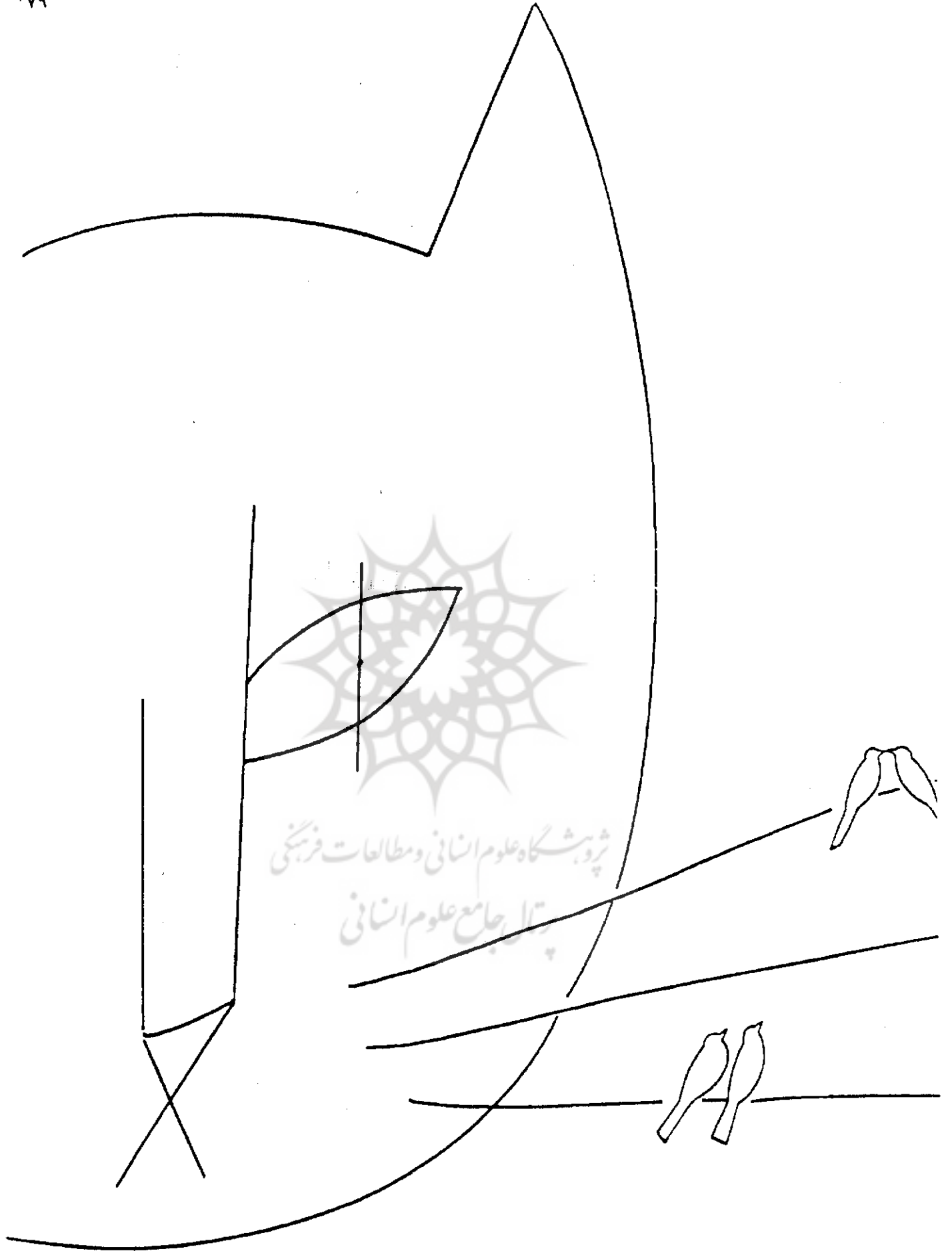
z j i b m w o x



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی







پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی